



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صفحات ۱۳۱-۱۱۳

## ائتلاف‌های سیاسی و توسعه اقتصادی

سعید عطار<sup>۱</sup>

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد

حجت کاظمی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲ - تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۸)

### چکیده

نظر غالب در مطالعات توسعه این بوده که توسعه، موضوعی درباره مدیریت موثر اقتصادی توسط نهادهای بازاری یا بوروکراسی دولتی است. مقاله حاضر می‌کوشد تا با استفاده از روش مطالعات اسنادی، این فرضیه را به بحث بگذارد که ائتلاف‌های سیاسی می‌توانند توسعه اقتصادی را ممکن یا ناممکن کنند. استدلال مقاله این است که به دلیل اینکه هم عرصه سیاسی، عرصه کنش‌های ائتلافی است و هم دولت در کشورهای در حال توسعه، دولتی چندپاره است، مطالعه نقش دولت در توسعه اقتصادی نیز باید مطالعه نقش ائتلاف‌های سیاسی در توسعه باشد. مقاله با طرح چارچوب تحلیلی ائتلاف‌های سیاسی (تاکتیکی - استراتژیک)، سه نوع ائتلاف (ائتلاف برای توسعه، ائتلاف ناتوسعه و ائتلاف بر ضد توسعه) را مورد بررسی قرار می‌دهد. مطالعات نظری و یافته‌های تجربی نشان می‌دهند که تنها ائتلاف سیاسی مفید برای توسعه اقتصادی، ائتلافی است که هم برای توسعه و هم از نوع استراتژیک باشد. این چارچوب نظری، چشم‌انداز جدیدی برای بررسی موانع توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه ارائه می‌کند.

**واژگان کلیدی:** ائتلاف‌های سیاسی، ائتلاف استراتژیک توسعه‌گرا، توسعه اقتصادی، کشورهای در حال

توسعه

<sup>۱</sup> s.attar@yazd.ac.ir (نویسنده مسئول) -

## ۱- مقدمه

آیا مطالعه دولت برای فهم ماهیت توسعه اقتصادی و آنچه در فرآیند تحقق / ناکامی آن رخ می‌دهد، مهم است؟ این پرسش که به موضوع رابطه دولت و توسعه اشاره دارد، یکی از مباحث کلاسیک مطالعات توسعه بوده است. برای فهم رابطه دولت و توسعه، از یک نظر می‌توان به دو جریان فکری مهم در مطالعات توسعه اشاره کرد. اولین جریان فکری مربوط به چشم‌اندازی است که در آثار اندیشمندان مکتب تاریخی اقتصاد مانند داگلاس نورث (۱۹۸۱) ارائه شده است. در این آثار، کارکرد اصلی دولت عبارتست از ایجاد هنجارها و قوانین پیش‌بینی‌پذیری که حقوق مالکیت را تعریف و تضمین می‌کنند. در دومین دیدگاه، دولت به شکلی فعال درگیر تاسیس نهادهای جدیدی است که وظیفه آنها تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری و بسیج منابع در جهت تسریع رشد ظرفیتهای جدید تولیدی است. کارل پولانی (۱۹۵۷) یکی از مدافعان دیدگاه اخیر است (Evans, 2001: 3557). هر دو دیدگاه، کم و بیش به نقش دولت در فرآیند توسعه اقتصادی تاکید دارند. اگر در دیدگاه اولی، دولت تضمین‌کننده قابلیت اجرایی قوانین یعنی تضمین نظم نهادی و کاهش ناطمینانی است در دیگری کارویژه اصلی دولت، تحقق توسعه اقتصادی است.

این دو جریان، علیرغم اختلافات در توصیف نقش دولت در فرآیند توسعه، در یک نکته محوری اشتراک نظر مبنایی دارند: تلقی از دولت به عنوان کلبیتی یکپارچه. این نگاه، محصول سنت تحلیل وبری از دولت به عنوان سنت غالب در ادبیات علوم سیاسی است. در همین متن سنت وبری بود که ایده دولت توسعه‌گرا نیز مطرح شد. این ایده که ناشی از تلاش‌های فکری اندیشمندانی چون چالمرز جانسون (۱۹۸۱)، ڈوال و فریمن (۱۹۸۳)، وایت و وید (۱۹۸۴) و دیو (۱۹۸۷) برای فهم توسعه شرق آسیا بود، کمک کرد تا مطالعه دولت، بخشی از مطالعات توسعه تلقی شود. ایده دولت توسعه‌گرا از این پیش‌فرض ساده شروع می‌شد که «در حالی که دولت می‌تواند از افراد در مقابل انحرافات<sup>۱</sup> حمایت کند، خود دولت نیز می‌تواند در عمل عامل انحراف باشد»<sup>۲</sup>. در نتیجه، برای تحقق توسعه باید بر دولت تمرکز کرد.

زیربنای فکری این ایده، اولویت سیاست در تبیین توسعه است؛ اصلی که آدریان لفت‌ویچ در کتاب «دولت‌های توسعه‌گرا: پیرامون اهمیت سیاست در توسعه» (۲۰۰۱) به آن وجه تئوریک داده بود. لفت‌ویچ پیش از این در کتاب «دموکراسی و توسعه» (۱۹۹۶) چارچوب بحث خود را این گونه ترسیم می‌کند: «موضوع اصلی ما این است که از دیدگاه توسعه، باید بر سیاست و ماهیت دولت تاکید کرد» (لفت‌ویچ، ۱۳۸۲: ۲۲). با این وجود، نظر غالب در

<sup>۱</sup> - diversion

<sup>۲</sup> - البته این پارادوکسی قدیمی است که به ایده افلاطون در کتاب جمهوری بازمی‌گردد. رک: Buchanan, 1977.

مطالعات توسعه این بوده که توسعه، موضوعی درباره مدیریت موثر اقتصادی است که عموماً به نهادهای بازاری و در بهترین حالت به بوروکراسی دولت اشاره دارد و از این رو، محاسبه سیاست نسبت به عقلانیت اقتصاد کم اهمیت و فرعی دانسته شده است (ان‌گو، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

نوشتار حاضر تلاش خواهد کرد که با استفاده از روش مطالعات اسنادی، این فرضیه را به بحث بگذارد: سرنوشت توسعه را قواعد بازار یا کارا بودن نظام بوروکراسی به عنوان بازوی اجرایی دولت رقم نمی‌زند؛ توسعه محصول اتفاقاتی است که در درون دولت رخ می‌دهد. این یعنی توسعه اقتصادی، محصول تلاش و کوششی سیاسی است. استدلال نوشتار حاضر این است که در بررسی توسعه یک کشور باید جهت تحلیل را به سوی عرصه سیاسی سوگیری کرد. ضرورت دولت‌پژوهی در مطالعات توسعه، به دلیل منطق سیاسی روند توسعه اقتصادی است. این به معنای رد این ایده جاافتاده است که برای فهم توسعه باید به ویژگی‌های سازمانی نهادهای برنامه‌ریزی اقتصادی و آژانس‌های بوروکرات نگریست.

## ۲- افسانه دولت یکپارچه در کشورهای در حال توسعه

یکپارچه‌انگاشتن دولت، مفروض اصلی اغلب پژوهش‌های حوزه مطالعات توسعه است. این مفروض، برخاسته از سنتی است که ماکس وبر پایه‌گذار آن بود و تا به امروز، تحلیل وبر از دولت، سنت غالب در ادبیات علوم سیاسی نیز بوده است. به نظر وبر، «دولت عبارت از اجتماعی انسانی است که (با موفقیت) مدعی آن است که انحصار کاربرد مشروع نیروی مادی را در پهنه یک سرزمین خاص بر عهده دارد» (تانسی، ۱۳۸۱: ۶۴). در اینجا، دولت کلیتی یکپارچه و منسجم تصور می‌شود که در مرزهای معینی، انحصار مشروع زور را بر عهده دارد.

نظریه دولت برای چندین دهه، تحت سیطره منازعات میان نهادگرایان، کثرت‌گرایان و ابزارگرایان بوده است. نهادگرایان بنا به سنت وبری بر خودمختاری نهادهای دولت تاکید کرده و این نتیجه را از دنبال کردن منطق درونی یک دولت تاریخی معین اخذ کرده‌اند. کثرت‌گرایان به تبیین ساختار و تطور دولت می‌پردازند و آن را نتیجه مجموعه متنوعی از تاثیرات در روند شکل‌گیری دولت می‌دانند که بر اساس پویش‌های جامعه مدنی متکثر و اجرای بی‌وقفه فرآیند قانونی شکل می‌گیرد. ابزارگرایان، مانند مارکسیست‌ها و تاریخ‌گرایان، دولت را تجلی سلطه منافع برخی از کنشگران اجتماعی می‌دانند؛ خواه دولت‌هایی که دچار چالش‌های درونی نیستند (کمپته اجرایی بورژوازی) خواه دولت‌هایی که نتیجه بی‌ثبات مبارزات، معاهدات و هم‌پیمانی‌ها هستند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۳۶۳). وجه مشترک اغلب این نظریات، مفهوم وبری دولت به عنوان یک کل یکپارچه بوده است.

نادیده‌گرفتن یا کم‌توجهی به عملکردها و ساز و کارهای غیررسمی، نهادهای دولتی ضعیف و ناکارآمد، حضور دائمی گروه‌های ذینفع و نفوذ آنها بر سیاست‌های دولت، وجود منافع متغیر میان بازیگران اصلی سیاست و نزاع مستمر آنها با یکدیگر درون یا از طریق نهادهای رسمی، همگی مویذ ضرورت طرح رویکردی دیگر برای فهم دولت (به خصوص در کشورهای به اصطلاح در حال توسعه) به جای رویکرد رسمی - نهادی کلاسیک و سایر رویکردهای متأثر از آن است.

دولت در مکانی که بحث توسعه موضوعیت پیدا می‌کند (کشورهای در حال توسعه) شکل و ماهیت متفاوتی دارد. چرا که دولت، نه یک واحد یکپارچه یا یکدست بلکه مجموعه‌ای از گروه‌های منافع را شامل می‌شود که ممکن است با یکدیگر در تضاد باشند (حکیمیان و مشاور، ۱۳۸۳: ۲۳). مشکل این نیست که چیزی در آنجا (درون دولت) وجود ندارد بلکه مشکل آن است که اتفاقاً آنجا خیلی چیزها (پاره‌های مجزای دولت) با هم درگیرند. هر کدام از این پاره‌ها، ظرفیت‌ها، مقاصد و عملکردهای متفاوتی دارند. در حالی که بخشی از دولت، مستقل از فشارهای اجتماعی عمل می‌کند، بخشی دیگر منافع اجتماعی را بازتاب می‌دهد. فهم دولت به عنوان واحدی یکپارچه در واقع کم‌بها دادن به کنشگران متفاوتی است که بر سر منافع و علایق در درون دولت با یکدیگر رقابت می‌کنند (Geddes, 1994: 7). از این رو دولت شامل مجموعه‌ای از نیروهایی است که بر اساس منطق و پویای متمایزی عمل می‌کنند که برخی از آنها با هم سازگار و برخی دیگر کاملاً متناقض و نامنسجم هستند (اوئن، ۱۳۸۳: ۳۰۱). به عبارت دیگر، در این جا دولت، مجموعه بخش‌های متنوعی است که عموماً به جز در حفظ وضع موجود و تضمین تداوم قدرت، تشابه اندکی با یکدیگر دارند.

دولت غیریکپارچه یا دولت چندپاره اولاً دولتی است که ابزار سلطه یک قشر یا طبقه همگون اجتماعی و سیاسی نیست. ثانیاً به واسطه همین ویژگی، این دولت نه تنها مستقل و فارغ از منازعات موجود در جامعه عمل نمی‌کند بلکه خود کارگزار و عرصه وقوع این منازعات است و در نتیجه، ساختاری منازعه‌ای و نامنسجم دارد. ثالثاً این دولت بر سر اتخاذ یک استراتژی واحد اقتصادی، کشمکش‌های درون‌نخبه‌ای قابل توجهی را تجربه می‌کند و لاجرم به عرصه‌ای برای کنش‌های ناهماهنگ نیروهای سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌شود (حاتمی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

کاستلز، از مخرج مشترک بازی سیاسی میان بازیگران با عنوان «پروتکل بنیادی»<sup>۱</sup> یاد می‌کند که اصل محوری آن، تضمین ثبات دولت در چارچوب قانون اساسی و قواعد موجود است (Castells, 2011: 783). در برخی از کشورها، حتی این توافق محوری نیز وجود ندارد. پدیده

<sup>۱</sup> - fundamental protocol

کودتا، ماحصل این واقعیت است. آنجا که این عدم توافق استراتژیک، منجر به بسیج مردم شود، در بهترین حالت، سیاست جنبشی شده و در بدترین حالت، سیاست، از سیاست (به معنای هنر اداره دولت<sup>۱</sup>) خارج شده و جنگ داخلی رخ می‌دهد. در اینجا، ما کمتر با یک دولت یکپارچه به معنای وبری آن سر و کار داریم. دولت حاصل ائتلاف‌های شکننده گروه‌های متعدد سیاسی است که در بسیاری از مواقع، برآیند مشترکی ندارند. ایده دولت ورشکسته<sup>۲</sup>، ادامه منطقی شدت یافتن پراکندگی دولت در جهان در حال توسعه است.

هرچند تعاریف متعددی از دولت ورشکسته ارائه شده است (ر.ک. *Iqbal and Starr, 2008; World Bank, 2002*)<sup>۳</sup> اما به طور کلی می‌توان گفت که اگر دو ستون حفظ‌کننده ثبات دولت را «کارآمدی» (انجام بهینه کارکردهای دولت) و مشروعیت (تلقی از عادلانه یا عادلانه بودن عملکردها و نهادها) بدانیم، دولت با داشتن هر دو ستون، دولتی باثبات، با داشتن یکی از این دو، دولتی با ثبات اندک و دولت بدون کارآمدی و مشروعیت، دولتی ورشکسته خواهد بود (Goldstone, 2008: 285-286). از این رو، گسترش و تعمیق شکاف میان گروه‌های سیاسی و استفاده مستمر کنشگران سیاسی از نهادهای دولت برای اهداف شخصی (در متنی از بازی با حاصل جمع صفر) را باید فرآیندی دانست که با کاهش دو ستون اصلی دولت، دولت را به نهادی ورشکسته تبدیل می‌کند.

### ۳- ماهیت ائتلافی سیاست: سیاست اروپایی و نظریه بازی‌ها

ائتلاف، به عمل گروهی از کنشگران اطلاق می‌شود که برای دست‌یابی به یک هدف عمومی (مشترک) رفتارهای خود را به صورت موقت، محدود و کنترل می‌کنند. در تحلیل موسع، ائتلاف‌ها تنها مختص عرصه سیاسی نیستند و می‌توان از ائتلاف در زندگی سیاسی، ائتلاف در زندگی اقتصادی، ائتلاف در زندگی فرهنگی و ائتلاف در زندگی زناشویی و نکاحی نیز نام برد (Nooruddin, 2011: 14). اما ائتلاف در زندگی سیاسی به دلیل مرتبط بودن با قدرت سیاسی، از اهمیت بالایی برای بسیاری از دیگر حوزه‌های اجتماعی برخوردار است. عرصه سیاسی، عرصه کنش‌های جمعی برای تحقق اهداف فردی و / یا جمعی است، چرا که بازیگران سیاسی برای رسیدن به اهداف خود در یک حوزه جمعی، نمی‌توانند به صورت فردی عمل کنند. این به معنای آن است که کنش‌های سیاسی، کنش‌هایی ائتلافی هستند. از این رو مطالعه سیاسی، از یک جهت، مطالعه کنش‌های ائتلافی در حوزه سیاست است.

<sup>۱</sup> - statecraft

<sup>۲</sup> - failed state

<sup>۳</sup> - گرافید جونز (۲۰۰۸) با انتقاد از آنچه او گفتنمان شکست دولت (*discourse of state failure*) می‌نامد، ورشکسته شدن دولت‌های در حال توسعه را پیامدی از بحران‌های جهانی می‌داند. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. Jones, 2008

با این حال، مطالعه سیاست ائتلافی، قدمت زیادی ندارد. این حوزه تحلیلی که در ذیل دانش سیاسی به معنای عام آن تعریف شده بود، در ابتدا در قالب دو سنت فکری «سیاست اروپایی»<sup>۱</sup> (قدیمی‌ترین) و «نظریه بازی‌ها»<sup>۲</sup> مورد توجه قرار گرفت (Kumar, 2004: 4). هر دو سنت فکری، تلاش می‌کنند تا از دو مسیر متفاوت، خصلت ائتلافی سیاست را مورد بررسی قرار دهند. در حالی که اغلب آثاری که در ذیل سنت نظریه بازی‌ها تولید شده‌اند، پژوهش‌هایی در سنت دانشگاهی آمریکا هستند (پژوهش‌هایی به شدت ریاضی‌مبنا و عموماً پیچیده)، پژوهش‌های سنت سیاست اروپایی، کمتر ریاضی‌مبنا و بیشتر نظری - توصیفی هستند. با اینکه هر دو سنت، پدیده‌های مشابهی را مورد تحلیل قرار می‌دهند اما شیوه‌های تحلیل متفاوت آنها، درک متفاوت و در نتیجه، نتایج تحقیقاتی متفاوتی را موجب شده است. دو نمونه از بهترین کارهایی که در سنت سیاست اروپایی انجام شده کتاب «سیاست‌گذاری حزبی و ائتلاف‌های حکومتی در اروپای غربی»<sup>۳</sup> به قلم لاور و باج<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) و کتاب «حکومت‌های ائتلافی»<sup>۵</sup> نوشته مولر و اشتروم<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) است. کتاب «تاسیس حکومت و شکست آن: کابینه‌ها و مجالس قانون‌گذاری در دموکراسی‌های پارلمانی»<sup>۷</sup> اثر مشترک لاور و شپسل<sup>۸</sup> (۱۹۹۸) مهمترین کتاب در سنت نظریه بازی‌ها است. با وجود اینکه سالها از انتشار این آثار می‌گذرد و نظریه‌های جدیدی در مورد ماهیت ائتلافی سیاست طرح شده است<sup>۹</sup> اما هنوز هم این آثار، کتابهای پایه‌ای پایه‌ای در این دو سنت فکری هستند.

هرچند در اغلب پژوهش‌ها<sup>۱۰</sup>، ائتلاف‌های سیاسی با کنشگری سیاسی در نظام دموکراتیک مترادف پنداشته شده<sup>۱۱</sup> اما به واقع، ائتلاف چه به شکل رسمی (عموماً در نظام‌های دارای شفافیت بیشتر) و چه به شکل غیر رسمی (در نظام‌های دارای شفافیت کمتر)، در تقریباً تمام

<sup>۱</sup> - *European Politics*

<sup>۲</sup> - *Game Theory*

<sup>۳</sup> - *Party Policy and Government Coalitions*

<sup>۴</sup> - *Laver and Budge*

<sup>۵</sup> - *Coalition Governments in Western Europe*

<sup>۶</sup> - *Müller and Ström*

<sup>۷</sup> - *Making and Breaking Governments: Cabinets and Legislatures in Parliamentary Democracies*

<sup>۸</sup> - *Laver and Shepsle*

<sup>۹</sup> - تقریباً تمام آثار پایه‌ای در دو سنت فکری فوق، آثاری بر اساس پیش‌فرض اهمیت احزاب در سیاست ائتلافی بوده‌اند. با این حال، نظریات جدید این پیش‌فرض را به چالش کشیده‌اند. به عنوان نمونه، پاتریشیو ناویا (۲۰۰۶) ائتلاف‌ها در حوزه سیاسی شیلی را دارای همان کارکردی می‌داند که از احزاب انتظار می‌رود. از این رو، به نظر او برای تحلیل سیاست شیلی باید ائتلاف‌ها را به عنوان احزاب سیاسی (جدید) مورد توجه قرار داد. ر.ک: Navia, 2006

<sup>۱۰</sup> - برای نمونه، ر.ک: Farneti 1985; Laver and Schofield 1998; Diermeier and Merlo 2000; Merston 2002; Posner, 2005; Finn, 2015

<sup>۱۱</sup> - در میان نظام‌های دموکراتیک نیز گونه پارلمانی آن بیشتر مورد توجه ادبیات ائتلاف‌ها در سیاست بوده است. به عنوان مثال، آندیوگ و همکارانش (۲۰۰۸) به فراز و فرود ائتلاف‌ها در رژیم‌های پارلمانی سه کشور اروپایی می‌پردازند. شیوه برخورد احزاب موافق با احزاب مخالف پارلمانی و اتخاذ رویکرد همکاری بیشتر به جای رقابت، ویژگی خاص این کشورها در تحولات سال‌های اخیر آن بوده است. ر.ک: Andeweg et al., 2008

نظام‌های سیاسی وجود دارد.<sup>۱</sup> حتی دولت‌های چپ‌اولگر<sup>۲</sup>، ضد توسعه و اقتدارگرا نیز برای باقی ماندن در قدرت، نیازمند ائتلاف‌های حمایتی هستند (Frantz and Ezrow, 2011: 43). در نتیجه، کنشگران سیاسی در تمام نظام‌های سیاسی به ائتلاف‌سازی روی می‌آورند تا دست‌یابی به سطح بیشتری از اهداف را محقق کنند.

چنان‌که اشاره شد، بخشی از مطالعه سیاست ائتلافی، از نظریه بازی‌ها استخراج شده است. نظریه بازی‌ها، مطالعه شرایطی با تصمیم‌گیران متعدد است که به صورت راهبردی با هم تعامل کرده و به ائتلاف برای رسیدن به اهداف مشترک اقدام می‌کنند. بنیان اصلی نظریه بازی‌ها بر این فرض استوار است که انسان‌ها از بین راهبردهای مختلف بر حسب پیامدهای آنها، دست به انتخاب می‌زنند. این به معنای انکار اهمیت ترجیحات ایدئولوژیک نیست بلکه بدین معناست که این نوع از ترجیحات، آن قدر غالب نیستند که بر نتایج، تاثیر قاطعی بگذارند (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۴). می‌توان حدس زد که دلیل اینکه برخی کنشگران سیاسی به کنش‌های خود بار ایدئولوژیک می‌دهند، مشروعیت‌بخشی به کنش‌های خاص در حوزه سیاست است. این مشروعیت‌بخشی، پوشش لازم برای منافع نهایی آنها را ایجاد می‌کند. در نتیجه، بر اساس هر دو سنت سیاست اروپایی و نظریه بازی‌ها، در کنش‌ورزی در عرصه سیاست، اولویت با منافع است.

بسیاری از ائتلاف‌ها به خصوص در عرصه سیاست علیرغم آنکه به صورت گذرا برقرار شده و موقتی هستند اما هدف اغلب آنها یکسان است: متراکم کردن و تقویت نقاط قوت کنشگران برای دست‌یابی به برخی اهداف مشترک که در غیر این صورت هیچ کدام تک‌تک نمی‌توانستند به آن دست پیدا کنند (O'Day, 2004: 4). اما این به معنای برابری ائتلاف‌کنندگان نیست. تفاوت میزان قدرت اعضای ائتلاف، اینکه ائتلاف را چه کسانی شکل می‌دهند، چه کسانی عضو ائتلاف می‌شوند و چه کسانی تاثیر بیشتری بر ماهیت برنامه‌ها، استراتژی‌ها و رویه‌ها می‌گذارند، همگی جایگاه ائتلاف‌کنندگان را در ائتلاف تعیین می‌کند (Fogarty, 2007: 102).

#### ۴- انواع ائتلاف‌ها و دوگانه ائتلاف‌های تاکتیکی - استراتژیک

ائتلاف‌ها در درون رژیم‌های سیاسی مختلف، چندگانه و متعدد هستند. کوک (۲۰۰۲) به چهار نوع از مهمترین ائتلاف‌های سیاسی اشاره می‌کند: ائتلاف بر سر اصول جامعه سیاسی<sup>۳</sup>،

<sup>۱</sup> - به عنوان نمونه، عجم‌اوغلو و همکارانش به ائتلاف‌ها در رژیم‌های غیردموکراتیک می‌پردازند. رک: Acemoglu et al., 2008

<sup>۲</sup> - predatory states

<sup>۳</sup> - Political Community Coalition

ائتلاف بر سر رژیم<sup>۱</sup>، ائتلاف بر سر برنامه<sup>۲</sup> و ائتلاف بر سر کابینه یا قوه مجریه<sup>۳</sup>. ائتلاف بر سر اصول جامعه سیاسی به اجماع نظرهایی اشاره دارد که بر مبنای آنها از اصول و چارچوب خاصی به عنوان اصول ورود به جامعه سیاسی حمایت می‌شود. این اصول، مرزهای عقیدتی رژیم سیاسی را ترسیم می‌کنند. ائتلاف بر سر رژیم، به ائتلاف‌های گروه‌های سیاسی بر حفظ نظم و سامان سیاسی داخلی اشاره دارد. این ائتلاف به معنای ارجحیت دادن نظم کنونی به سایر آلترناتیوهای سیاسی است. ائتلاف بر سر برنامه‌ها، ائتلافی است که میان برخی از گروه‌های سیاسی بر سر برنامه‌های خاصی شکل می‌گیرد و در نهایت، ائتلاف بر سر کابینه، به آن دسته از ائتلاف‌های سیاسی اشاره دارد که با هدف حمایت از تیم رهبری دولت در قوه مجریه تشکیل می‌شوند.

چهار نوع ائتلافی که کوک به آنها اشاره کرد، بر بستر دو گونه ائتلاف‌های تاکتیکی<sup>۴</sup> و ائتلاف‌های استراتژیک<sup>۵</sup> شکل می‌گیرند. محور این تقسیم‌بندی دوگانه، زمان و هدف ائتلاف است. دو متغیر زمان و هدف، ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، به طوری که به عنوان نمونه، زمان بلند مدت یک ائتلاف، عموماً با اهداف کلان مرتبط است. هر چند نمی‌توان زمان دقیقی برای ائتلاف‌های سیاسی تعیین کرد اما به جهت آنکه شروع و پایان ائتلاف‌ها معمولاً نزدیک به زمانی است که قدرت در میان گروه‌های سیاسی جابجا می‌شود، برخی از اندیشمندان<sup>۶</sup>، چهار یا پنج سال (که موعد انتخابات و میانگین جابجایی در اغلب کشورها است) را به عنوان معیار در تعیین زمان ائتلاف در نظر می‌گیرند. اگر یک ائتلاف، چهار یا پنج سال یا کمتر باشد، ائتلاف کوتاه مدت، اگر بین چهار یا پنج سال تا هشت یا ده سال تداوم داشت، ائتلاف میان مدت و بیش از این، ائتلاف بلند مدت قلمداد می‌شود. چنانچه متغیر هدف نیز در تقسیم‌بندی از انواع ائتلاف‌ها مورد توجه باشد، بر حسب مقطعی بودن هدف یا پروسه‌ای بودن آن، می‌توان ائتلاف‌ها را به ائتلاف‌ها با اهداف خُرد و ائتلاف‌ها با اهداف کلان تقسیم کرد.

ائتلاف‌های تاکتیکی و ائتلاف‌های استراتژیک، حاصل ترکیب این دو مولفه هستند، به گونه‌ای که ائتلاف‌های تاکتیکی، اشاره به ائتلاف‌های کوتاه مدت میان گروه‌های سیاسی بر سر دست‌یابی به اهداف خُرد دارد و ائتلاف‌های استراتژیک، به ائتلاف‌های میان و بلند مدتی گفته می‌شود که بر سر دست‌یابی به اهداف کلان شکل گرفته‌اند. اهداف سیاسی به معنای ایجاد یا رفع یک سیاست (ائتلاف‌هایی که عموماً در ماه‌های قبل از انتخابات یا هر دگرگونی سیاسی مقطعی، میان مخالفان دولت مستقر شکل می‌گیرد)، در ذیل ائتلاف‌های تاکتیکی معنا پیدا

<sup>۱</sup> - Regime Coalition

<sup>۲</sup> - Program Coalition

<sup>۳</sup> - Cabinet or Executive Coalition

<sup>۴</sup> - tactical coalitions

<sup>۵</sup> - strategic coalitions

<sup>۶</sup> ر.ک. Wang, 2006



می‌کند (Golder, 2004) اما اهداف مربوط به سیاست‌های کلان مانند اهداف ملی در حوزه‌های مختلف، بازآرایی یا اتخاذ استراتژی‌های جدید در حوزه‌های مهم تنها در چارچوب ائتلاف‌های استراتژیک ممکن می‌شوند.

اگر ائتلاف تاکتیکی برای تصاحب یک کرسی یا معطوف به سیاست‌های جاری باشد، ائتلاف استراتژیک در برگیرنده اهداف مشترک میان مدت و بلند مدتی چون تثبیت یا تغییر جهت‌گیری‌های تخصیص و بازتوزیع در حوزه اقتصادی با هدف انباشت بیشتر سرمایه یا توزیع سرمایه بین نیروهای جدید و کاهش شکاف‌های اجتماعی - اقتصادی، شیوه و ماهیت بازتوزیع قدرت در حوزه سیاسی و مانند اینها است. جدول ۱ انواع ائتلاف‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱- انواع ائتلاف‌ها و مولفه‌های آنها

ائتلاف استراتژیک	ائتلاف تاکتیکی	انواع ائتلاف مولفه‌های ائتلاف
میان مدت و بلند مدت	کوتاه مدت	زمان
کلان، بازآرایی یا اتخاذ یک استراتژی	خُرد، ایجاد یا رفع یک سیاست	هدف

هرچند عموماً مدت زمان ائتلاف در ائتلاف تاکتیکی، کوتاه مدت و در ائتلاف استراتژیک، میان و بلند مدت است اما به واقع، عوامل دیگری نیز بر زمان تداوم ائتلاف تاثیرگذار هستند. بخشی از مدت زمان و دوره ائتلاف، کارکردی از روابط قدرت است، به طوری که عضو یا اعضای قدرتمند ائتلاف باید در مورد تداوم یا انحلال ائتلاف یا گذار از یک سطح از ائتلاف به سطح دیگر تصمیم بگیرند. میزان تطابق منافع میان ائتلاف‌کنندگان نیز بر مدت ائتلاف تاثیر می‌گذارد. مشارکت مستمر افراد در یک ائتلاف برای دستیابی به مجموعه‌ای از منافع و شکل‌گیری باوری مشترک در میان آنها می‌تواند باعث گذار از یک ائتلاف ضعیف و کم‌دوام به یک ائتلاف قوی و پایدار شود.

وضعیت گروه‌های سیاسی بیرون از ائتلاف نیز بر تداوم و گسست ائتلاف تاثیرگذار است؛ هرچند ائتلاف‌های استراتژیک کمتر از ائتلاف‌های تاکتیکی، متأثر از وضعیت دیگر گروه‌ها و میزان قدرت‌گیری و ائتلاف‌سازی آنها هستند. کیرشهایمر معتقد است که مخالفت میان خودی‌ها بعد از آن‌که «مخالفان به محاق رفتند»<sup>۱</sup>، جایگزینی برای آشکال قبلی مخالفت خواهد بود (Kirchheimer, 1957: 156). این به معنای آن است که ضعف شدید گروه‌های سیاسی بیرون از ائتلاف باعث تضعیف پایه‌های ائتلاف در میان ائتلاف‌کنندگانی می‌شود که بر سر

<sup>۱</sup> - waning of opposition

رسیدن به اهدافی متحد شده‌اند. این وضعیت باعث تداوم مخالفت میان گروه‌ها در درون ائتلاف شده و دامنه آن، به حوزه‌هایی که در ابتدا کمتر مورد توجه بود، گسترش می‌یابد. تداوم این گسترش، ائتلاف را به «آستانه تحمل ائتلاف» که مرز انتهای هر ائتلافی است می‌رساند. گذشتن از این آستانه، به معنای پایان ائتلاف است. با تغییر ائتلاف‌های سیاسی، فرصتی برای تغییر سیاست‌ها و ظهور الگوها و اهدافی جدید برای سیاستگذاری ایجاد می‌شود (Poteete, 2009: 563). از این رو، بخش بزرگی از چرایی تغییر سیاست‌های دولت‌ها را باید در تغییراتی جستجو کرد که در ائتلاف‌های تاکتیکی و استراتژیکی گروه‌های سیاسی درون دولت اتفاق می‌افتد.

### ۵- ائتلاف‌های سیاسی و مساله توسعه اقتصادی

ائتلاف‌های سیاسی، ائتلاف‌هایی در درون دولت به مفهوم عام و میان گروه‌های سیاسی با اهداف سیاسی کوتاه، میان یا بلند مدت هستند. این ائتلاف‌های سیاسی دارای اهداف سیاسی، بر سایر حوزه‌های اجتماعی و تحولات آنها تاثیر می‌گذارند. حوزه اقتصاد، یکی از مهمترین حوزه‌های متأثر از تحولات سیاسی است و به جهت آنکه دولت، بزرگترین نهاد اجتماعی در درون جامعه، نهادساز و جهت‌دهنده به روندهای اقتصادی جامعه است، ائتلاف‌های سیاسی داخل دولت نیز بر تحولات اقتصادی تاثیرگذار خواهند بود. در بخش زیر، نقش ائتلاف‌های سیاسی در روند توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و این استدلال مطرح می‌شود که ائتلاف‌های سیاسی، تعیین کننده توسعه اقتصادی هستند؛ ائتلاف‌های سیاسی که خود از روندهای تاریخی هر جامعه و ابتکارات مداوم بازیگران سیاسی تاثیر می‌پذیرند.

#### ۵-۱- ائتلاف‌های سیاسی توسعه‌گرا

از یک نظر، ائتلاف سیاسی به دلیل آنکه یکی از مکانیزم‌های اصلی غلبه بر مهمترین چالش توسعه اقتصادی یعنی مشکل کنش جمعی در حوزه سیاستگذاری محسوب می‌شود، در مطالعات توسعه مورد توجه قرار گرفته است (Leftwich and Wheeler, 2011: 8). در مطالعات توسعه، بحث نقش ائتلاف‌های سیاسی در توسعه، عموماً از سه زاویه مورد توجه قرار گرفته است: دیدگاه اول، دیدگاه دولت‌گرایان است که به نظر آنها، مجموعه برگزیده‌ای از ائتلاف‌های کلاسیک میان نخبگان سیاسی، مدیران دولتی و در برخی مواقع نظامیان، با شکل دادن به یک ائتلاف بزرگ، موتور توسعه اقتصادی را روشن می‌کنند. دیدگاه دوم، متعلق به نئولیبرال‌هاست که ائتلاف‌های پیش‌گفته را مانع توسعه دانسته و آن را تهدیدی برای تغییرات اقتصادی موفق می‌داند (Williams, 2001: 15) و دیدگاه سوم که ائتلاف‌های سیاسی بر سر

شیوه‌های توزیع قدرت را عاملی می‌داند که باعث ثبات و کارآمدی بازوی اجرایی دولت (بوروکراسی) می‌شود. بر طبق این دیدگاه، ائتلاف‌های سیاسی، پیش‌زمینه ایجاد یک بوروکراسی کارآمد در دولت توسعه‌گرا است (Zalanga, 1999: 3).

چه ائتلاف‌های سیاسی را موتور توسعه اقتصادی بدانیم، چه مانعی در جهت نظم خودجوش و چه تقویت‌کننده بوروکراسی کارآمد در دولت توسعه‌گرا، در هر سه دیدگاه، ائتلاف‌های سیاسی برای تحلیل توسعه اقتصادی کشورها مهم خواهند بود. از طرف دیگر، می‌توان به آن دسته از ائتلاف‌های سیاسی اشاره کرد که غارت‌گرا، تباری‌گرا و مشخصاً ضد توسعه هستند. این ائتلاف‌ها، هرچند ممکن است با اهداف سیاسی متعدد شکل بگیرند اما همیشه تأثیرات مخربی بر روند توسعه کشورها بر جای می‌گذارند (Wheeler and Leftwich, 2012: 6). این نوع ائتلاف‌ها، نشان‌دهنده تأثیرات چندوجهی (هموارکننده توسعه - مانع توسعه) ائتلاف‌های سیاسی بر روند توسعه اقتصادی کشورها هستند.

از نظر رابطه ائتلاف‌های سیاسی با توسعه اقتصادی، در یک نگاه کلی می‌توان به سه نوع ائتلاف اشاره کرد: ائتلاف برای توسعه، ائتلاف برای اموری غیر از توسعه (ائتلاف ناتوسعه) و در نهایت، ائتلاف بر ضد توسعه. آنچه یک ائتلاف را مفید برای توسعه می‌کند، ائتلاف استراتژیک بر سر توسعه است. پیامد پذیرش این گزاره، گذار از تأکید بر اهمیت نیروهای اجتماعی در روند توسعه اقتصادی (یعنی بحث‌های حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی اقتصادی) به تأکید بر اهمیت نیروهای سیاسی و ائتلاف میان گروه‌های سیاسی در روند توسعه اقتصادی (اقتصاد سیاسی) است. بر بستر این تحلیل، گروه‌های سیاسی مدافع روستائیان (یعنی قشرهای اجتماعی که در ادبیات جامعه‌شناختی، نا / ضد توسعه پنداشته می‌شوند) نیز در صورتی که با دیگر گروه‌های سیاسی در یک ائتلاف استراتژیک با هدف توسعه قرار گیرند، در این صورت می‌توان آنها را نیز بخشی از کارگزاران توسعه دانست.

یکی از نمونه‌های چنین ائتلافی، حزب لیبرال دموکراسی ژاپن (ال دی پی)<sup>۱</sup> بود. حزب ال دی پی ژاپن، حاصل ائتلاف میان گروه‌های سیاسی محافظه‌کار مدافع روستائیان و گروه‌های سیاسی تحول‌خواه و توسعه‌گرا بود. سیطره ۳۸ ساله این حزب توسعه‌گرا بر دولت ژاپن (۱۹۵۵-۱۹۹۳) به پشتوانه حمایت‌های وسیع رای‌دهندگان روستایی ممکن شد که از خدمات وسیع دولت در روستاها و روند مطلوب بازتوزیع ثروت، راضی بودند. گروه‌های سیاسی مدافع روستائیان در این حزب بسیار قوی‌تر از احزابی مانند حزب کمونیست ژاپن<sup>۲</sup> بودند. این حمایت، استمرار در قدرت را برای حزب ال دی پی، بهبود وضعیت برای روستائیان و تداوم توسعه را برای ژاپن ممکن کرد (Kuroda, 2005: 112-113) همین‌طور، خصلت‌های

<sup>۱</sup>- Liberal Democratic Party (LDP)

<sup>۲</sup>- Japanese Communist Party (JCP)

مدرن و توسعه‌گرای اشراف انگلیسی، نمونه دیگری از این واقعیت است. کارگزار توسعه بودن اشراف انگلیسی در مقابل ضد توسعه بودن اشراف فرانسوی، نشان دهنده ضرورت فراتر رفتن از جوهرانگاری‌های جامعه‌شناختی رایج در مطالعات توسعه است.<sup>۱</sup>

ائتلاف بر محور توسعه، عموماً ائتلافی میان آن گروه از کنشگران سیاسی است که فارغ از ریشه‌ها و خاستگاه‌های جامعه‌شناختی‌شان، دست‌یابی به توسعه را در اولویت قرار داده‌اند. این ائتلاف، به جهت سوگیری عام به سوی یک هدف ملی و خصلت چند بُعدی هدف، منطقی‌اً باید «ائتلافی فراگیر» باشد، چرا که ماهیت هدف و تطابق آن با منافع کنشگران متعدد، بر شکل و گستره ائتلاف تاثیر می‌گذارد. از این رو، گستره هدف و سطح تطابق با منافع از جمله مهمترین عواملی هستند که سطح ائتلاف را مشخص می‌کنند. همان‌طور که بانک جهانی (۲۰۱۱) نیز تاکید دارد، ائتلاف‌های موفق برای توسعه اقتصادی کشورها، ائتلاف‌های فراگیری بوده‌اند (Leftwich and Wheeler, 2011: 8). بنابراین، اگر ائتلاف سیاسی استراتژیکی بر سر توسعه شکل گیرد، این ائتلاف باید ضرورتاً ائتلافی فراگیر باشد.

تاریخ توسعه نشان می‌دهد که کنشگران دارای جایگاه بالاتر و موقعیت بهتر در ساختار دولت نقش مهمی در ائتلاف‌سازی بر سر توسعه و تداوم آن داشته‌اند. ایده‌های ماهاتیر محمد در مورد توسعه مالزی زمانی که مورد حمایت ائتلاف نخبگان حاکم بر کشور قرار گرفت (Zalanga, 1999: 23)، به شکلی که ائتلافی استراتژیک میان آنها بر سر توسعه کشور برقرار شد، مالزی را از کشوری فقیر به کشوری توسعه یافته و موفق تبدیل کرد. بررسی توسعه اقتصادی در مالزی از منظر اقتصاد سیاسی نشان می‌دهد که ظهور ائتلافی از گروه‌های سیاسی مختلف اما تحول‌خواه و توسعه‌گرا و وجود رهبری که این ائتلاف از او حمایت می‌کند، چطور می‌تواند منجر به تحول اجتماعی و توسعه اقتصادی کشور شود (Zalanga, 1999: 38).

لاک‌وود (۱۹۷۰: ۶۵۹-۶۶۰)، در تحلیل موفقیت سرمایه‌داری در ژاپن (که آن را سرمایه‌داری جدید<sup>۲</sup> می‌نامد) به روابط شخصی پر دامنه و گسترده‌ای اشاره می‌کند که به واسطه تلاش‌های نخبگان سیاسی محوری ژاپن میان بخشی از تولیدکنندگان - بازرگانان و بخش بزرگی از رهبران سیاسی شاخص ژاپن به وجود آمد و این ائتلاف، نقش مهمی در توسعه ژاپن بر عهده داشت. بخش بزرگی از نخبگان سیاسی در ژاپن (مخصوصاً نخبگان بوروکراتیک) ائتلاف استراتژیکی را شکل داده بودند که در آن، هدف محوری یعنی نقطه اتصال همه آنها، پیشبرد توسعه اقتصادی ژاپن بود. هرچند با تحقق برخی اهداف توسعه اقتصادی، اهداف متفاوتی توسط برخی از اعضای ائتلاف مطرح شد اما تسلط نخبگان سیاسی توسعه‌گرا بر

<sup>۱</sup>- ر.ک. مور، ۱۳۸۲.

<sup>۲</sup>- New Capitalism

روندهای درون دولت، به آنها امکان می‌داد تا خواست‌های گروه‌های سیاسی متفاوت را مورد توجه قرار داده و آن خواست‌ها را با هدف توسعه اقتصادی کشور همراه کنند.

اگرچه به لحاظ نظری، می‌توان مخرج مشترک تعاریف متعدد از توسعه را مشخص کرد اما در دنیای واقعی، اینکه ائتلاف سیاسی مسلط بر دستگاه‌های دولتی، چه تعریفی از توسعه داشته باشد و همین طور، اینکه اعضای ائتلاف قائل به چه نسبتی میان توسعه ملی - بومی (یعنی درک آنها از توسعه) با توسعه به معنای رایج (توسعه بازار محور) باشند، یا اینکه هدف از توسعه ملی - بومی را ارتقاء در سلسله مراتب کنونی قدرت در نظام بین‌الملل بدانند یا هدف از توسعه ملی را شکستن نظم موجود، همه اینها بر وضعیت توسعه در کشور تاثیر می‌گذارد.

بورنستین و اوستری (۱۹۹۶: ۲۲۴-۲۲۸)، رشد و توسعه اقتصادی در سال‌های پس از ۱۹۷۸ را نتیجه ثبات سیاسی، کاهش نزاع‌های منفعتی - ایدئولوژیک و تغییر هدف ائتلاف سیاسی در درون دولت چین می‌دانند. به نظر آنها، توسعه چین در دوره پیشاصلاحات (سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۸)، در بستری از تلاطم‌های سیاسی و بلایای طبیعی گرفتار شده بود. در این دوره، توسعه اقتصادی در چین، در بستر اختلاف‌های گروه‌های سیاسی حاضر در ائتلاف بزرگ حزب کمونیست بر سر ماهیت اهداف کشور متوقف شده بود، چرا که این نزاع‌های سیاسی، باعث تخریب فعالیت‌های اقتصادی در کشور شده بود. پس از مرگ مائو که نقش محوری در درون ائتلاف سیاسی حاکم داشت و از جایگاه خود برای طرد گروه‌های سیاسی توسعه‌گرا استفاده می‌کرد، جایگاه گروه‌های سیاسی حامی مائو در ائتلاف حاکم تضعیف شد و ائتلاف سیاسی جدیدی با جلب مشارکت برخی نیروهای به حاشیه رانده شده و تحت تسلط نسبی گروه‌های سیاسی توسعه‌گرا به وجود آمد. این ائتلاف، در ماهیت ائتلافی استراتژیک با هدف پیشبرد توسعه اقتصادی کشور بود. متفاوت با دوره قبلی، درک گروه‌های سیاسی تعیین کننده این ائتلاف از توسعه به تعاریف عام از توسعه نزدیک بود. آنها بر خلاف پیشینیان خود، با درک تهدیدهای فقر در درون و تنش در بیرون، ماهیت توسعه در چین را ارتقاء در سلسله مراتب قدرت در نظام بین‌الملل می‌دانستند و بدین جهت، سیاست درب‌های باز که ماحصل گفتگوهای درون ائتلاف بود، مسیر توسعه چین را تغییر داد.

#### ۵-۲- ائتلاف‌های سیاسی توسعه‌گرا و میراث تاریخی - نهادی

تاریخ، تعیین کننده چشم‌اندازهای نیروهای سیاسی هر جامعه است. به جهت اهمیت نقش تاریخ در حوزه سیاست، ائتلاف‌های سیاسی نیز متأثر از ویژگی‌ها و ظرفیت‌های تاریخی هر جامعه هستند (Wheeler and Leftwich, 2012: 15). اینکه تاریخ، تعیین کننده بخشی از هویت کنشگران سیاسی و شکل دهنده به قوانین تدوین شده در هر جامعه است، نشان می‌دهد که

برای تحلیل ماهیت ائتلاف‌های سیاسی، اینکه توسعه‌گرا هستند یا ائتلاف‌های سیاسی برای تحقق اهداف دیگری شکل گرفته‌اند، باید تاریخ کشورها را مورد بررسی قرار داد. بررسی تاریخ هر کشور، بخشی از تلاش برای پاسخ به این پرسش است که محیط نهادی که ائتلاف‌های سیاسی در درون آنها شکل می‌گیرند، چگونه در جریان رخداد اتفاق‌های مختلف، تکوین یافته است. این میراث نهادی، توسط استراتژی‌های بازیگران سیاسی تقویت یا تضعیف می‌شود.

در یک دیدگاه کلی می‌توان گفت که ائتلاف‌های سیاسی متأثر از محیط نهادی با سه مولفه میراث تاریخی بازی سیاسی، هویت کنشگران و بسترهای قانونی است. کتاب «منزعه سیاسی و توسعه در شرق آسیا و آمریکای لاتین» (۱۳۸۹) که مجموعه مقالات ریچارد بوید، تک - وینگ ان گو و بنو گالجاتر است با مقایسه روند توسعه در دو منطقه شرق آسیا و آمریکای لاتین نشان می‌دهد که دو اصل محوری در ایده دولت توسعه‌گرا یعنی مصون‌سازی بوروکراتیک و برابری در توزیع میوه‌های توسعه، خود پیامدی از دلایل دیگر هستند. به نظر آنها، در برخی از کشورهای آمریکای لاتین مانند برزیل و آرژانتین هم این مصون‌سازی بوروکراتیک حداقل در برهه‌ای از زمان (نزدیک به یک دهه) به وجود آمده بود اما حتی بخشی از اهداف توسعه‌ای که در شرق آسیا محقق شد، اتفاق نیفتاد. یافته‌های مطالعه آنها نشان می‌دهد که زنجیره‌ای از دلایل که در مجموع، می‌توان آنها را محیط یا بستر توسعه نامید و ریشه در تاریخ متفاوت دو منطقه داشت، تعیین کننده جهت‌گیری‌های گروه‌های سیاسی مسلط بر دستگاه دولت بودند. بنابراین، برای فهم توسعه باید به سطحی عمیق‌تر گذر کرد: از سیاست توسعه‌ای دولت توسعه‌گرا به محیط نهادی که این دولت در آن زیست می‌کند.<sup>۱</sup> این به معنای اهمیت میراث تاریخی - نهادی در روند توسعه اقتصادی است.

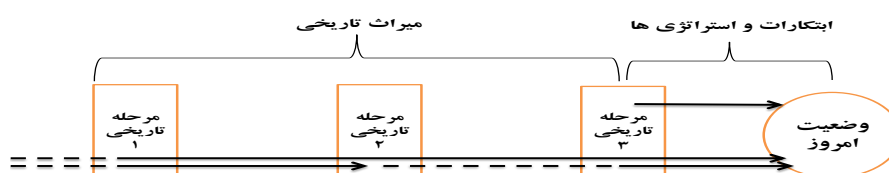
میراث تاریخی - نهادی اما یک کلیت منسجم و همگون نیست. در اغلب کشورها می‌توان تعارض‌های شدیدی را در تجربه تاریخی، منابع هویتی و ساختار قانونی آنها مشاهده کرد. همان‌طور که پیش از این در مورد تغییر تاریخی در چین اشاره شد، کنشگران سیاسی بر حسب هنجارها و منافع خود، دست به گزینش می‌زنند. میراث تاریخی در آنچه کیلی و شافر (۱۹۸۶) در تحلیل روندهای سیاستگذاری، «اتاقی برای مانور»<sup>۲</sup> می‌نامند روی میز کنشگرانی است که علیرغم محدودیت‌های ساختاری - تاریخی، قادر به انتخاب هستند. بدین معنا، اگر میراث تاریخی - نهادی ضد توسعه توسط نوآوری‌ها و استراتژی‌های کنشگران سیاسی تقویت نشود، تاثیر اندکی بر مسیر توسعه اقتصادی امروز یک کشور خواهد داشت. روشن است که

<sup>۱</sup> - به زبان تک- وینگ ان گو، اگر توسعه در کشوری «بازی ممکن» بود (تایوان) در جایی دیگر «بازی ناممکن» محسوب می‌شد (آرژانتین). ر.ک. ان گو، ۱۳۸۹.

<sup>۲</sup> - Room for Maneuver

ائتلاف‌های استراتژیک بر سر توسعه، امکان بروز ابتکارات و استراتژی‌هایی را فراهم می‌کنند که می‌توانند میراث تاریخی - نهادی ضد توسعه را تضعیف کنند. با این حال، این میراث تاریخی ضد توسعه، می‌تواند تداوم ائتلاف استراتژیک بر سر توسعه را با خطرات زیادی مواجه کند.

در کل، در بحث از پشتیبانی میراث تاریخی - نهادی از روند توسعه اقتصادی، در مورد یک کشور می‌توان به دو زمان با دو وضعیت اشاره کرد: زمان «الف» که در آن تقویت میراث تاریخی ضد توسعه توسط استراتژی‌های کنشگران سیاسی به اخلال در روند توسعه اقتصادی منجر می‌شود و زمان «ب» که در آن تضعیف میراث تاریخی ضد توسعه توسط استراتژی‌های کنشگران سیاسی، باعث تقویت روند توسعه اقتصادی می‌شود. شکل ۱ نشان می‌دهد که تغییر میراث تاریخی توسط خلاقیت و نوآوری‌های کنشگران امروزی امکان‌پذیر است.



شکل ۱- نقش میراث تاریخی و ابتکارات و استراتژی‌های کنشگران در وضعیت امروز؛

منبع: Erdmann, Elischer and Stroh, 2011: 21.

خطوط نقطه چین شده، نشان دهنده گسست‌ها و خطوط صاف، نشان دهنده تداوم تاریخی میراثی است که در هر مرحله تاریخی به استراتژی‌ها و ابتکارات کنشگران وابسته است. با توجه به اینکه سیاست دارای ماهیت ائتلافی است، این استراتژی‌ها و ابتکارات در درون ائتلاف‌های سیاسی ممکن می‌شوند. به عبارت دیگر، استراتژی‌ها و ابتکارات بازیگران سیاسی در درون ائتلاف‌ها، میراث تاریخی را تقویت یا تضعیف می‌کنند. اینکه ائتلاف‌های گذشته چه میراث فکری و نهادی در زمینه توسعه بر جای گذاشته‌اند، امکانها و محدودیت‌های فراوانی برای ائتلاف‌های سیاسی در بردارد که اکنون بر نهادهای مهم دستگاه دولت مسلط هستند.

إردمن و همکارانش (۲۰۱۱) در موسسه مطالعات منطقه‌ای و جهانی در آلمان<sup>۱</sup> بر این باورند که نهادهای جدید که حاصل نوآوری‌های کنشگران سیاسی مهم در ائتلاف‌های بزرگ

<sup>۱</sup> - German Institute of Global and Area Studies (GIGA)

سیاسی هستند، می‌توانند نه تنها میراث گذشته را کم‌رنگ کنند بلکه خود به مانند یک نوآوری (در اقتصاد) عمل کرده و مسیر جدیدی از تحول را موجب شوند. به عنوان مثال، اگر برخی از گروه‌های سیاسی مهم در ائتلافی که تداوم قدرت یک رژیم اقتدارگرا را ممکن کرده است، تصمیم بگیرند تا با اجرای قانون آزادی رسانه‌ها، موجب گسترش آزادی در زمینه گزارشگری و نشر اخبار شوند، این نوآوری می‌تواند با کاهش نااطمینانی سیاسی و بهبود شفافیت اقتصادی، توسعه اقتصادی را تقویت کند. به نظر آنها این نهادسازی، در مواقع بحرانی یعنی در بزنگاه‌های تاریخی اتفاق می‌افتد. هر بزنگاه تاریخی، پنجره‌ای از فرصت‌ها را برای تغییر به وجود می‌آورد که تا پیش از این ممکن به نظر نمی‌رسید. در اینجا، مهارت و قابلیت رهبران سرنوشت‌ساز خواهد بود (Leftwich and Wheeler, 2011: 10).

## ۶- نتیجه‌گیری

ائتلاف‌های سیاسی که مهمترین کنش‌های سیاسی و ماهیت آنها، تعیین‌کننده جهت‌گیری‌های سیاسی یک کشور هستند، می‌توانند ائتلاف‌های تاکتیکی یا استراتژیک باشند. همچنین، این ائتلاف‌ها می‌توانند برای تحقق اهداف متعددی شکل بگیرند. توسعه اقتصادی به عنوان یک هدف عام و با تأثیرات گسترده در جامعه، در چارچوب یک ائتلاف استراتژیک و فراگیر سیاسی توسعه‌گرا ممکن می‌شود. این ائتلاف سیاسی استراتژیک بر محور توسعه بدون پشتیبانی میراث تاریخی مساعد برای توسعه (میراث تاریخی که تداوم آن منوط به ابتکارات و استراتژی‌های کنشگران سیاسی است)، ائتلافی شکست‌خورده و ناکام خواهد بود. فارغ از وفور یا کمیابی منابع اقتصادی، اگر میراث تاریخی و ابتکارات کنشگران سیاسی، توسعه‌گرایی را به «بازی ممکن» گروه‌های سیاسی بدل کند، توسعه اقتصادی سرعت خواهد گرفت. حوزه اقتصاد، نفع برنده وضعیتی است که در آن، ائتلاف‌های سیاسی استراتژیک و فراگیر بر سر توسعه، توسط میراث تاریخی و ابتکارات کنشگران سیاسی پشتیبانی می‌شوند. در مقابل، اقتصاد، بازنده وضعیتی است که در آن میراث تاریخی و ابتکارات بازیگران سیاسی، به تنش‌های سیاسی و ائتلاف‌های سیاسی (تاکتیکی - استراتژیک) با اهداف دیگر کمک می‌کند. هر چند نظر غالب در مطالعات توسعه این بوده که توسعه، موضوعی درباره مدیریت موثر اقتصادی است و از این رو، محاسبه سیاست نسبت به عقلانیت اقتصاد کم اهمیت و فرعی دانسته شده است، اما این نوشتار نشان داد که ائتلاف‌های سیاسی می‌توانند توسعه اقتصادی را ممکن یا ناممکن کنند. این چارچوب تحلیلی که می‌توان آن را «ائتلاف‌شناسی سیاسی» نامید، می‌تواند چارچوب نظری مناسبی برای بررسی تأثیر ائتلاف‌های سیاسی بر توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف باشد. اینکه چرا توسعه اقتصادی در ایران، روندی با فراز و نشیب‌های



بسیار بوده، پرسشی است که چارچوب تحلیلی ائتلاف‌شناسی سیاسی، زاویه دید جدیدی برای پاسخ به آن ارائه خواهد کرد. از این رو، این نوشتار می‌تواند بخشی از چارچوب نظری پژوهش‌هایی باشد که تلاش می‌کنند در ذیل ایده کلاسیک تاثیر سیاست بر اقتصاد، چشم‌اندازهای تحلیلی جدیدی برای بررسی موانع توسعه اقتصادی ایران ارائه کنند.

این چارچوب تحلیلی می‌تواند نشان دهد که توسعه ایران، در پیچ و تاب بازی‌های جناح‌های سیاسی گرفتار شده که نه به لحاظ اندیشه‌ای خواستار ورود به ائتلاف استراتژیک برای توسعه هستند و نه منافع بازی‌های روزمره سیاسی، به آنها امکان تشکیل ائتلاف استراتژیک توسعه‌گرانه را می‌دهد. علاوه بر این، ابتکارات کنشگران سیاسی که برای پیروزی در نزاع‌های سیاسی به شکل دادن به ائتلاف‌های تاکتیکی ناتوسعه‌ای (و در برخی موارد، ضد توسعه‌ای) اقدام می‌کنند نیز تقویت کننده بخشی از سنت دولت مردد در ایران بوده است. همه اینها، به چرخه سیاستگذاری اقتصادی در ایران، حرکت آونگی از سیاستگذاری نا / ضد توسعه‌ای تا سیاستگذاری توسعه‌ای در شرایط اضطرار داده است. ائتلاف‌شناسی سیاسی نشان می‌دهد که هم فهم گذشته ناموفق و هم پیدا کردن مسیرهای خروج از وضعیت موجود، زمانی ممکن است که نوع رابطه میان بازیگران سیاسی در متنی از تعامل گسترده ائتلافی مورد بازشناسی و تحلیل قرار گیرد.

## منابع

### الف) فارسی

- ۱- تانسی، استیون (۱۳۸۱)، مقدمات سیاست، هرمز همایون‌پور، تهران: نشر نی.
- ۲- ان گو، تک-وینگ (۱۳۸۹)، «بازی‌های ممکن و ناممکن: نظم نهادی و منازعه اجتماعی در آرژانتین و تایوان»، در ریچارد بوید، تک-وینگ ان گو و بنو گالجار، منازعه سیاسی و توسعه در شرق آسیا و آمریکای لاتین، ترجمه علی بی‌نیاز، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۳- اوئن، راجر (۱۳۸۳)، «دولت در خاورمیانه: تغییر موضع نه عقب‌نشینی»، در حسن حکیمیان و زیبا مشاور، دولت و تحول جهانی: اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه، ترجمه عباس حاتمی‌زاده، تهران: انتشارات کویر.
- ۴- حاتمی‌زاده، عباس (۱۳۸۷)، «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب: تاثیر سیاست‌های بازتوزیعی بر جدال‌های هرمنوتیکی، طبقاتی و پیدایش دولت غیر یکپارچه در ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، ش ۲.
- ۵- حکیمیان، حسن، مشاور، زیبا، (۱۳۸۳)، «مقدمه»، در حسن حکیمیان و زیبا مشاور، دولت و تحول جهانی: اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه، ترجمه عباس حاتمی‌زاده، تهران: انتشارات کویر.
- ۶- عجم اوغلو، دارون و جیمز رابینسون (۱۳۹۰)، ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه جعفر خیرخواهان و علی سرزعی، تهران: انتشارات کویر.
- ۷- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)، ج ۲، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- ۸- لفت‌ویچ، آدریان (۱۳۸۲)، دموکراسی و توسعه، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.

۹- مور، برینگتون (۱۳۸۲)، ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه یوسف نراقی، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.

### ب) انگلیسی

- 10- Acemoglu, Daron, Georgy Egorov and Konstantin Sonin, (2008), "Coalition Formation in Non-Democracies", *Review of Economic Studies*, Vol. 75, No. 4.
- 11- Andeweg, Rudy B., Lieven De Winter and Wolfgang C. Müller, (2008), "Parliamentary Opposition in Post-Consociational Democracies: Austria, Belgium and the Netherlands", *The Journal of Legislative Studies*, Vol. 14, No. 1-2.
- 12- Borensztein, Eduardo and Jonathan D. Ostry, (1996), "Accounting for China's Growth Performance", *The American Economic Review*, Vol. 86, No. 2.
- 13- Buchanan, James, (1977), *The Limits of Liberty: Between Anarchy and Leviathan*, Chicago: University of Chicago Press.
- 14- Budge, Ian and M.J. Laver, (Eds.), (1992), *Party Policy and Government Coalitions*, London: Palgrave Macmillan UK.
- 15- Castells, Manuel, (2011), "A Network Theory of Power", *International Journal of Communication*, No. 5.
- 16- Clay, E. J. and Schaffer, B. B, (Eds.), (1986), *Room for Manoeuvre, An Explanation of Public Policy in Agriculture and Rural Development*, London: Heinemann.
- 17- Cook, Terrence E., (2002), *Nested Political Coalitions: nation, regime, program, cabinet*, Westport, CT: Praeger Publishers.
- 18- Diermeier, Daniel and Antonio Merlo, (2000), "Government Turnover in Parliamentary Democracies", *Journal of Economic Theory*, Vol. 94, No. 1.
- 19- Erdmann, Gero, Sebastian Elischer and Alexander Stroh, (2011), "Can Historical Institutionalism be Applied to Political Regime Development in Africa?" *GIGA Research Programme: Legitimacy and Efficiency of Political Systems, Working Papers*, No 166.
- 20- Evans, Peter B., (2001), "Development and the State", In Neil J. Smelser and Paul B. Baltes, (Eds.), *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, Amsterdam: Elsevier.
- 21- Farneti, Paolo, (1985), *The Italian Party System, (1945-1980)*, New York: St. Martins Press.
- 22- Finn, Mike, (2015), "The coming of the coalition and the Coalition Agreement", In Anthony Seldon, Michael Thomas Finn, Mike Finn, (Eds.), *The Coalition Effect, 2010-2015*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 23- Fogarty, Edward A., (2007), "Coalition", In Mark Bevir, (ed.), *Encyclopedia of Governance*, California: Sage Publications, Inc.
- 24- Frantz, Erica and Natasha M. Ezrow, (2011), *Dictators and Dictatorships: Understanding Authoritarian Regimes and Their Leaders*, New York: Continuum International Publishing Company.
- 25- Geddes, B., (1994), *Politician's Dilemma: Building State Capacity in Latin America*, Berkeley: University of California Press.
- 26- Golder, Sona Nadenichek, (2004), *The Logic of Pre-Electoral Coalition Formation*, Ph.D. dissertation, New York University.
- 27- Goldstone, Jack A., (2008), "Pathways to State Failure", *Conflict Management and Peace Science*, Vol. 25.
- 28- Gruffydd Jones, Branwen, (2008), *The global political economy of social crisis: Towards a critique of the 'failed state' ideology*, *Review of International Political Economy*, Vol. 15, No. 2.
- 29- Iqbal, Zaryab and Harvey Starr, (2008), "Bad Neighbors: Failed States and Their Consequences", *Conflict Management and Peace Science*, Vol. 25.
- 30- Kirchheimer, Otto, (1957), "The Waning of Opposition in Parliamentary Regimes", *Social Research*, No. 24.
- 31- Kumar, Sunil, (2004), *Parties and Coalition Politics: A Comparative Study*, New Delhi: Centre for Federal Studies and Uppal Publication.
- 32- Kuroda, Yasumasa, (2005), *The Core of Japanese Democracy: Latent Interparty Politics*, New York: Palgrave Macmillan.
- 33- Laver, Michael and Norman Schofield, (1998), *Multiparty Government: the politics of coalition in Europe*, Ann Arbor: University of Michigan Press.
- 34- Leftwich, Adrian and Chris Wheeler, (2011), "Politics, Leadership and Coalitions in Development", *the DLP's first Research and Policy Workshop*. Frankfurt.

- 35- Lockwood, Willam W., (1970), *The Economic Development of Japan: Growth and Structural Change*, New Jersey: Princeton University Press.
- 36- Merzhon, Carol, (2002), *The Costs of Coalition*, Stanford: Stanford University Press.
- 37- Müller, Wolfgang C. and Kaare Strom, (Eds.), (2003), *Coalition Governments in Western Europe*, New York: Oxford University Press.
- 38- Navia, Patricio, (2006), "Sectors, Coalitions and Parties: Which Political Alignment Best Describes Chile's Political System?", Prepared for delivery at the 2006 Meeting for the Latin American Studies Association, San Juan. Puerto Rico.
- 39- Nooruddin, Irfan, (2011), *Coalition Politics and Economic Development, Credibility and the Strength of Weak Governments*, New York: Cambridge University Press.
- 40- O'Day, J. Brian, (2004), *Joining Forces: A Guide for Forming, Joining and Building Political Coalitions*, Washington DC: National Democratic Institute.
- 41- Posner, Daniel, (2005), *Institutions and Ethnic Politics in Africa*, New York: Cambridge University Press.
- 42- Poteete, Amy R., (2009), "Is Development Path Dependent or Political? A Reinterpretation of Mineral-Dependent Development in Botswana", *Journal of Development Studies*, Vol. 45, No. 4.
- 43- Wheeler, Chris and Adrian Leftwich, (2012), "Coalitions in the Politics of Development", Findings, insights and guidance from the DLP Coalitions Workshop, Sydney.
- 44- Williams, Mark Eric, (2001), *Market Reforms in Mexico: Coalitions, Institutions, and the Politics of Policy Change*, Maryland: Rowman & Littlefield Publishers, Inc.
- 45- World Bank, (2002), *World Bank Group work in low-income countries under stress*, Washington, DC: The World Bank Group.
- 46- Zalanga, Samuel, (1999), "Ruling Elite Coalitions and State Bureaucratic Capacity: Accounting for Developmental and Predatory States in Malaysia and Nigeria", *First International Graduate Retreat for Comparative Research*, Los Angeles, CA.